یادداشت اختصاصی

چند نکته در خصوص گزارش ۲۰۱۸

آنوش رحام
تحلیلگر ارشد
گمرک و تجارت خارجی

هرگاه صحبت از موانع اصلی فضای کسب‌وکار در کشورمان می‌شود، پاسخ‌هایی درخصوص فرآیندها وزیرساخت معیوب می‌شنویم اماهروقت جویاشدم که دقیقا منظور از فرآیند و زیرساخت چیست؟ با جواب‌های پراکنده و کلی گویی مواجه شدم، گویی فرآیند معیوب و عدم زیرساخت واژه‌های مناسبی برای آدرس‌دهی غلط و مفری برای نپرداختن به تنگناهای مدیریتی و موانع کسب‌وکار در کشور است که با بیان فقدان این دو، همه در پذیرش وضع موجود به اتفاق نظر می‌رسند.

از دیگرسو گاهی ارتباط متناسبی بین شاخص‌های مختلف درخصوص رتبه ایران در گزارش‌های بانک جهانی، آنکتاد، مجمع جهانی اقتصاد و... دیده نمی‌شود که بخشی از آن متوجه کیفیت پاسخ‌دهی است و بخشی دیگری که تابه‌حال به آن پرداخته نشده به‌دلیل عدم‌انطباق شاخص‌های آماری و مقادیر عددی ارائه شده با نتایج عینی و رویه‌های مستتر در فضای کسب‌وکار است که در هیچ کجای دنیا به‌شکل ایران وجود ندارد. این عوامل تاثیرات منفی زیادی بر فضای کسب‌وکار گذاشته و عمدتا به‌دلیل نبود کانون‌های ساختارشناس و روش‌شناسی در نهادها و دستگاه‌های ایرانی ابدا تحلیلی از آنها وجود ندارد.

تیم‌های متولی بررسی کسب‌وکار هیچ گزارشی از انطباق رویه‌های الکترونیک با عملیات فیزیکی و رویه‌های اجرایی ندارند و صرفا گزارشات تک‌بعدی فاوا به مدیران ارائه می‌شود.

آنچه در ایران به مسئولان ارائه می‌شود مانند نقشه‌ای است که تصویری از بالا ارائه کرده اما از پستی‌وبلندی‌های مسیر و مواصلات اطلاعاتی در آن چیزی وجود ندارد، این رویه تبدیل به فرآیند برخط می‌شود اما هیچ تحلیل و گزارشی از کانال‌های متقاطع فیزیکی درفرآیندها نیست. در دنیا معمول است که به‌محض استقرار سامانه‌ها و سیستم‌های نوین، فرآیند process analysis و تطبیق ساختار سیستمی با فرآیند فیزیکی شروع به‌کار کرده تا موانع متعدد شناسایی و احصاء شود، امری که حلقه مفقوده میان اطلاعات و شاخص‌های خروجی با مقادیر واقعی و اجرایی بوده و حلقه ارتباط بین دوفضای موجود مجازی و فیزیکی در جهان امروز است.

در مورد رتبه‌های متناظر و بعضا متفاوت دو شاخص سهولت کسب‌وکار ۲۰۱۸ و شاخص رقابت‌پذیری ۲۰۱۸ تفاوت‌هایی وجود دارد که دکتر پدرام سلطانی در یادداشتی به آن پرداخته‌اند. موضوعی که او به آن اشاره دارد، بی توجهی به پتانسیل‌های کم‌نظیر ترانزیت در کشور که با خدمات بازرگانی و کیفیت قوانین و مقررات تجارت خارجی درهم آمیخته است.

توجه به گزارش سهولت کسب‌وکار از آن جهت اهمیت دارد که تحلیل جامعی از سیر شروع یک کسب‌وکار تا سطح کیفیت، سهولت و دسترسی به خدمات تجاری ارائه می کند و از طریق اعتباردهی به شاخص‌های همچون تجارت فرامرزی، کیفیت ساختار حکمرانی و تاثیرات تورم مقررات و بروکراسی اداری را ارزیابی می کند.

از همین‌رو تحلیل شاخص‌های متعدد و مرتبط گزارش سهولت کسب‌وکار و همچنین تطبیق توأمان موانع بهبود هر شاخص با فرآیند اداری و اجرایی شاخص‌ها، تصویر شفافی از گلوگاه‌های کسب‌وکار در ایران ارائه می‌دهد، در شرایطی که دولت دوازدهم برنامه‌های ویژه‌ای درخصوص استقرار نظام دولت الکترونیک در دست اجرا دارد.

بدیهی است، تجزیه و تحلیل معیارهای سهولت و رقابت‌پذیری موجب شناسایی و رفع موانع فعلی می‌شود و که دستیابی به نتایج دقیق و قابل استناد نیازمند بررسی‌های میدانی و کارشناسی دقیق در سطوح مختلف اجرایی و پایش دقیق موانع ریز و مستتر کسب‌وکارهاست که اصولا در داده‌های سیستمی قابل احصا نیستند.

باتوجه به توضیحات فوق، سعی شد با تاکید بر تفاوت‌های بررسی میدانی و مفهومی شاخص‌های بین‌المللی و نیاز مبرم به واکاوی مقوله فوق این مهم عیان می‌شود که در پس تلاش‌های کلان مدیریت‌ها، کارکرد معیوب و فقدان دانش بخش کارشناسی و بدنه‌میانی دستگاه‌ها، چه تاثیرات نامطلوبی بر فرآیند و فضای کسب‌وکار در کشور دارند.

راهبرد

گزارش

فروش
SELL
خرید
BUY
نوع ارز
ریال عربستان
دینار کویت
دینار عراق
رینگیت مالزی
بات تایلند
یوان چین
لیر سوریه
سکه بهار آزادی
سکه تمام امامی
سکه نیم بهار
سکه ربع بهار
سکه یک گرمی
CURRENCY
USD
EUR
GBP
CAD
AUD
SEK
DKK
NOK
AED
CHF
TL
JPY

عکس: علیرضا تقوی / آژانس عکس همشهری

خواب جدید بانک مرکزی برای دلار با افزایش قطره‌چکانی نرخ مبادله‌ای

ماندگاری در کانال ۴۰۰۰ تومانی

مهناز اعتدالی
روزنامه نگار

بانک مرکزی نرخ مبادله‌ای دلار را به ۳۴ هزار و ۹۹۹ ریال رساند. نرخی که تنها یک ریال با نیمه کانال سه هزار و ۵۰۰ تومانی فاصله دارد و به نظر می‌رسد که قرار است با این نرخ‌گذاری‌ها رکوردهای جدیدی را در بازار خود رقم بزنند. این افزایش نرخ‌ها بار دیگر پای تحلیل‌هایی را به جمع کارشناسان اقتصادی باز کرده که نخستین بار در دولت محمود احمدی‌نژاد خیلی جدی از سوی برخی کارشناسان اقتصادی مطرح شد و از جبران کسری بودجه با افزایش نرخ رسمی ارز حکایت می‌کرد.

حکایتی که بار دیگر راه خود را به تحلیل‌های ارزی و دلایل نوسانات رو به رشد نرخ آن در بازار مبادلات باز کرده و البته مخالفان جدی هم دارد؛ مخالفانی که دلیل نوسانات نرخ دلار را اعم از رسمی و غیررسمی ناشی از تحولات جهانی و نرخ برابری‌ها می‌دانند.

گروهی دیگر هم معتقدند افزایش‌های اخیر نرخ ارز می‌تواند یکی از معدود دستاوردهای مهم اقتصادی دولت یازدهم یعنی کاهش نرخ تورم را تهدید کند و موجبات صعودی شدن مجدد نرخ تورم را فراهم آورد. ولی برخی مشاوران اقتصادی نزدیک به دولت در مقابل یادآور می‌شوند که سیاست تک‌نرخی شدن ارز هم می‌تواند موجب افزایش نرخ تورم شود.

در این میان دلایل متعددی از سوی فعالان اقتصادی و کارشناسان برای گران شدن دلار تا ۴۰۰۰ تومان مطرح شده، از جمله اینکه شاید طرح دولت برای تک‌نرخی شدن ارز پشت‌پرده این گرانی باشد، این تحلیلگران، برخی فعالان بازار ارز را هم پشت سر خود می‌بینند که معتقدند شاید به همین علت است که دولت سعی دارد به صورت قطره‌چکانی این افزایش را انجام دهد و مسیر را برای تک نرخی شدن ارز آماده سازد. برای تأیید این نظر، فعالان بازار به افزایش پلکانی نرخ دلار مبادله‌ای و نزدیک شدن به نرخ سه هزار و ۵۰۰ تومانی یاد می کنند که اختلافی ۵۰۰ تومانی با دلار چهار هزار تومانی دارد و می‌تواند نشانی باشد برای تک نرخی کردن دلار در کانال چهار هزار تومان.

افزایش عامدانه نرخ ارز برای جبران کسری بودجه

هر چند که دولتی‌ها بیش از یک سال است که خبر از تک‌نرخی شدن ارز می‌دهند و قصد داشتند که پایان سال گذشته این هدف را محقق کنند؛ اما نوسان ناگهانی که به بازار آمد این امکان را از مسئولان بانک مرکزی گرفت، اما همچنان حیدر مستخدمین حسینی، معاون وزیر اقتصاد پیشین در گفت‌وگو با ایسنا در واکنش به افزایش قیمت ارز توسط دولت با اعلام اینکه این افزایش قیمت عامدانه است، می گوید: «ارز اهرمی است که در دولت‌های مختلف برای جبران کسری بودجه مورد استفاده قرار می گیرد.» او یادآور شده است: «دولت‌ها با افزایش ارز کسری بودجه خود را جبران کرده و منابع تازه‌ای برای خود ایجاد می کنند. این عامل در اختیار مجلس نیست و در اختیار خود دولت و بانک مرکزی است. بانک مرکزی می تواند اراده کند و در یک روز ارز مورد نیاز بازار را تأمین نکند و بازار این علامت را می گیرد که دولت قصد دارد به اندازه کافی ارز تزریق نکند و همراهی می کند تا قیمت ارز بالا رود و به این ترتیب تقاضا برای ارز بالا می‌رود و چون عرضه افزایش نیافته، قیمت آن بالا می‌رود. این مکانیزمی است که تیم اقتصادی دولتی تنظیم کرده و قیمت دلار را به این صورت بالا می‌برد.»

حیدر مستخدمین حسینی در ادامه با اشاره به اینکه برای افزایش ارز توجیهاتی آورده می‌شود مبنی بر اینکه می‌تواند صادرات را افزایش دهد، اعلام کرد: «به نظر من هرگز چنین نیست و با افزایش نرخ دلار صادرات ما چندان افزایش نیافته است. نکته دیگر این است، زمانی که ما در تحریم سیر می کردیم، قیمت دلار در حدود ۱۰۰۰ تومان بود. اکنون فروش نفت ما سه میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه است، چرا باید ارز کمتری به بازار عرضه کنیم؟ نتیجه این است که قیمت دلار آگاهانه افزایش می‌یابد و با این افزایش قطع یقین آثار تخریبی به روی اقتصاد مردم خواهد داشت و روی اقتصاد ملی نیز تأثیر مثبتی نخواهد داشت.»

حجم مبادلات بازار آزاد بازیگردان اصلی نرخ ارز

این نظر با توجه به تلاش دولتی‌ها برای تک نرخی کردن ارز که مدت‌هاست از برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن خبر می‌دهند، چندان درست به نظر نمی‌رسد. در این باره، میثم رادپور، فعال بازار سرمایه با رد صحبت‌های حیدر مستخدمین حسینی در عامدانه بودن قصد دولت در افزایش نرخ ارز برای کسری بودجه، معتقد است: اینکه دولت قیمت ارز مبادلات را بالا می‌آورد؛ علی‌الخصوص در یکی، دو ماه اخیر که روی آن تسریع صورت گرفته است، یک مسئله است که جزء سیاست‌های بانک مرکزی است؛ اما اینکه افزایش قیمت ارز توسط بانک مرکزی در جهت بالا بردن درآمد دولت است، موردی مجزاست که باید در جای خود مورد تحلیل قرار گیرد.

او با اشاره به اینکه بانک مرکزی زمانی به دنبال تک‌نرخی کردن ارز بود، ادامه داد: تک‌نرخی کردن به معنای آن است که نرخ با محاسبه مبادلات باید باشد؛ یعنی یک نرخ وجود داشته باشد و یا باید به اندازه‌ای نرخ ارز رسمی و بازار به هم نزدیک باشند که بتوان به آن تک‌نرخی گفت. برخی اقدامات اخیر بانک مرکزی در افزایش قیمت ارز را هم‌راستا با تک نرخی کردن دانسته‌اند که در این مورد نمی‌توان منکر درآمد دولت از این اقدام بود، اما نکته مهم این است که مگر چقدر این عدد می‌تواند متغیر باشد؟

این فعال بازار سرمایه افزود: در حال حاضر به لحاظ میانگین، عددی که در واقع دست دولت را می گیرد شاید به عدد بازار آزاد خیلی نزدیک‌تر باشد تا عدد اتاق مبادلات، زیرا حجم بزرگی از مبادلات در آنجا انجام می‌شود و قطعاً آن حجم از حجمی که در اتاق مبادلات انجام می‌شود بزرگ‌تر است. حجم بازار آزاد و مطالعات ارزی و مطالعات بازار از حجم چیزی که در اتاق مبادلات انجام می‌شود از نظر ما بزرگ‌تر است و قصد دارم بگوییم این عدد به این صورت است که باید دید چه حجمی از مبادلات پشت این موضوع وجود دارد؟ برای مثال اگر در یکی از حالت‌ها فرض کنید ۱۰ درصد از کل مبادلات آزاد است و ۲۰ درصد از اتاق مبادلات انجام شود معنایش این است که به اندازه یک پنجم از کل ارزی که دولت عرضه می کند در اختیارش است و می‌تواند به واسطه آن درآمدهای ارزی را بالا ببرد، بقیه جای دیگر است. در واقع عدد مهم‌تر با این فرض عدد بازار آزاد است.

رادپور با اشاره به اینکه مهم حجم مبادلات پشت آن است و اینکه هیچ اشکالی ندارد که دولت بازار را کنترل می کند، خاطر نشان کرد: حتی اگر دولت با این منظور یعنی با فرض اینکه می‌تواند کنترل کند بخواهد افزایش درآمد هم داشته باشد از نظر من کار اشتباهی نمی کند، این عدد مدت‌های مدیدی است که افزایش جدی در قیمت بازار ارز نداشته است، بنابراین وقتی هزینه‌های دولت به صورت ریالی تغییر می کند، با توجه به تورم دولت نیز هزینه‌هایش تغییر می کند، پس اگر درآمد دولت تغییر نکند چطور می‌تواند پاسخگو باشد؟

او ادامه داد: اینکه بگوییم افزایش نرخ ارز باعث تورم است، درست و مسلماً این اتفاق می‌افتد؛ زیرا دلار و ارز نقش مهمی در اقتصاد ما بازی می کنند. اما من معتقد نیستم که تنها دلیل تورم افزایش نرخ ارز باشد، در واقع ما از ارز برای کنترل تورم استفاده می کنیم و قسمت‌هایی که نمی‌توانیم کنترل کنیم ارز باعث جابه‌جایی تورم می‌شود. می‌خوام بگویم زمان‌هایی وجود دارد که ارز ما در بازار محاسباتی داشته است و بر مبنای آن تورم داشته‌ایم، ولی این تورم را کل اقتصاد ایجاد می کند و نرخ ارز تنها بازیگر آن نیست. البته زمان‌هایی هم وجود داشت که قیمت ارز را به قدری پایین نگاه داشته‌ایم که تورم از چیزی که باید می‌شد کمتر شده است.

رادپور یادآور شد: در حال حاضر سؤال مهم این است که این افزایش قیمت تا چه اندازه نماینده بازار ارز است؟ یک حجم مبادلاتی وجود دارد که در اتاق مبادلات به حساب بازار آزاد انجام می‌شود. یعنی اگر حجم معاملات اتاق مبادلات نسبت به بازار آزاد کم باشد، این عدد خیلی هم نماینده نیست. مثلاً اگر در یکی از حالت‌های خیلی خاص ۵ درصد از حجم مبادلات از اتاق مبادلات انجام شود، این عدد تنها یک حالت نمادین پیدا می کند؛ به دلیل اینکه بیشتر اقتصاد در بازار اقتصاد رقم می‌خورد، بنابراین نمی‌توانیم بدون اینکه حجم را داشته باشیم، قضاوت جدی انجام دهیم. چیزی که ما می‌دانیم این است که بخش عمده‌ای از مبادلات به بازار آزاد آمده است، اما با اطمینان بسیار بالا می‌دانیم که نقش اتاق مبادلات در کل بازار ارز ایران چیزی کمتر از ۵۰ درصد است. حال اینکه ۸۰ یا ۹۰ یا چه میزان است داده‌هایی از این دست نداریم و بانک مرکزی نیز داده‌هایی را منتشر نکرده تا بتوانیم تخمین جدی بزنیم، براین اصل تنها بانک مرکزی می‌تواند جدی‌ترین تخمین‌ها را در این زمینه اعلام کند.

درآمدهای ارزی دولت از تورم عقب مانده

این فعال بازار سرمایه تصریح کرد: بنابراین اینکه این مسئله را به‌عنوان اتهامی بر علیه دولت بدانیم درست نیست، ممکن است دولت بخواهد قیمت ارز را افزایش دهد؛ اما بهتر است در این زمینه مسائل اقتصاد سیاسی را آشکار کند که در پس این اقدام چه مسائلی پیش می‌آید و چقدر افزایش قیمت ارز می‌تواند جامعه را تحت فشار قرار دهد. مدت‌هاست که درآمدهای ارزی دولت از تورمی که هزینه‌های دولت را بالا برده عقب مانده است، شما فرض کنید که اتاق مبادلات در این ۵ سال ۳۰ تا ۴۰ درصد قیمت خود را افزایش داده است و ما در این ۵ سال ۸۰ تا ۹۰ درصد تورم انباشته داشته‌ایم که این مسئله به حقوق کارگران و مخارج دولت نیز معطوف می‌شود.

نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که عمده بودجه دولت رسما به آن تورم می‌خورد. یعنی از ۳۴۰هزار میلیارد تومان بودجه دولت ۳۰۲ هزارمیلیون تومان بودجه جاری است که تمام تورم در آن بودجه جاری قرار دارد و سبد متنوعی از مخارج است که به اندازه کافی می‌توان آنها را شبیه سبد مصرفی خانوارها لحاظ کرد، بنابراین تورم به بودجه تحمیل می‌شود؛ درحالی که قسمت مهمی از درآمدهای دولت درآمدهای ناشی از فروش گاز و میعانات گازی و محصولات پتروشیمی است.

رادپور با اعلام اینکه در ذهن دولت برنامه مشخصی برای ارز وجود ندارد ادامه داد: سیاست ارزی ما به گونه‌ای است که نمی‌توان خیلی روشن چیزی را گفت، حرف من این است که داستان گمانه‌زنی بازیگران بازار که به واسطه تجربه خود تصور می کنند چنین چیزی محقق می‌شود غلط است زیرا افزایش قیمت‌ها با مکانیزم و سازوکار خاص تعریف می‌شود. چیزی که ما می‌توانیم روی آن تکیه کنیم لزوماً این است که چه محرک‌هایی برای افزایش قیمت یا کنترل آن وجود دارد؟ و چه امکاناتی برای کنترل قیمت وجود دارد؟ زیرا زمانی که محرک‌ها جدی شوند ممکن است بازار ارز از کنترل خارج شود.

او با بیان اینکه نظام ارزی ما نسبتاً باثبات است و تنها شاهد جهش‌های مقطعی در آن هستیم گفت: «در این نظام ارزی بعد از اینکه پس از مدت‌ها قیمت‌ها را با شیب ملایم افزایش داده‌اند یا با شیب ملایم نگاه داشته‌اند، خودبه‌خود کنترل پس از آن سخت‌تر می‌شود. در اصل در بازار ایران یکسری از محرک‌های اقتصادی موجود است و بدتر از آن محرک‌های ناشی از سیاست‌های ایالات‌متحده در مورد ایران که تأثیر بسزایی در نظام پولی و بین‌المللی ایجاد کرده است. بنابراین بازار دلار از هر دوی این محرک‌ها تأثیر می گیرد، اما این به نسبت ارقام ما هنوز از رقم خاصی عدول نکرده است، ضمن اینکه از این طرف سیاست‌های آمریکا و مسائل تشدید مناقشات ایران و تحریم‌ها نیز وجود دارد. اما نکته مهم این است که بازار ارز به گونه‌ای نیست که هر عددی را علاقه داشته باشید، بتوانید اعلام کنید، دولت زمانی که زورش می‌رسد، شرایط آرام است و همه‌چیز تحت کنترل به نظر می‌رسد؛ اما نباید جو روانی بازار را با پیش‌بینی‌های غیرکارشناسی متلاطم کرد.»

حضور بی هیجان خریداران در بازار

هرچند بازار ارز این روزها پر هیجان است اما تجربه ضرری که سرمایه داران خرد در سال‌های قبل در بازار داشتند هیجان را از این بازار دور کرده است.

خانزاده از فعالین بازار ارز در گفت‌وگو با جامعه فردا، با اعلام اینکه این افزایش قیمت روز گذشته در بازار رسمی و مبادله‌ای تأثیری در بازار آزاد نداشته است، مطرح کرد: واکنش بازار درخرید و فروش بدون هیجان و حضور خریداران برای رفع نیازهای اولیه در این زمینه بود.

او با اعلام اینکه بازار دیگر در مقابل این افزایش قیمت‌ها دچار هیجان و شدت تغییر نمی‌شود، افزود: از زمانی که دلار به مرز ۴ هزار تومان رسید و دوباره کاهش پیدا کرد، حضور خریداران بسیار منطقی شده است. با توجه به اینکه اطلاعات مردم در این زمینه بالا رفته است و بسیاری در سال‌های گذشته در فراز و فرودهای قیمت دلار ضرر و زیان زیادی را متقبل شده‌اند، دیگر نوسانات بازار نمی‌تواند روی انتخاب آگاهانه مردم تأثیر زیادی داشته باشد.

این فعال بازار ارز یادآور شد: تنها زمانی شاهد تأثیر موقت در بازار ارز خواهیم بود که بانک مرکزی برای تنظیم بازار دخالت می کند و به صرافی‌هایی که سهمیه دارند ارز می‌دهد که این تأثیر نیز نمی‌تواند در نحوه خرید مردم مؤثر باشد.

> حتی اگر دولت به منظور افزایش درآمد، نرخ ارز را بالا ببرد کار اشتباهی نمی‌کند، این عدد مدت‌های مدیدی است که افزایش جدی در قیمت بازار ارز نداشته است، بنابراین وقتی هزینه‌های دولت به صورت ریالی تغییر می‌کند، با توجه به تورم اگر درآمد دولت تغییر نکند چطور می‌تواند پاسخگو باشد؟

تالار شیشه‌ای

شاخص بورس در آستانه کانال ۸۸ هزار واحدی

شاخص بورس اوراق بهادار تهران دیروز با رشدی ۲۳ پله‌ای به ۸۷۸۶۸ واحد دست یافت. اگرچه شاخص در جریان معاملات اولین روز هفته، با سرعت هفته پیش به سمت ورود به کانال ۸۸ هزار واحدی در حرکت نبود؛ اما همچنان روند صعودی را حفظ کرد. شاخص فرابورس نیز اولین روز کاری هفته را با کاهشی نیم واحدی به پایان رساند و در محدوده ۹۷۴ واحدی آرام گرفت.

اما در بازار شنبه چه گذشت؟ پترو پالایشی‌ها برخلاف هفته گذشته، دیروز در رشد شاخص تأثیرگذار نبودند و روندی نزولی را به ثبت رساندند. اکثر نمادهای گروه پالایشی در طول بازار به رنگ قرمز درآمدند و در درصدهای منفی معامله شدند. پالایشگاه بندرعباس نیز همچنان در محدوده قیمتی ۶۲۰ تومان با مقاومت پیشرو درگیر است و نتوانست پرقدرت ظاهر شود. پالایشگاه اصفهان و تهران نیز هرکدام با نمادهای شپنا و شتران در حال اصلاح قیمتی و در درصدهای منفی در حال معامله بودند.

روند معاملات در گروه پتروشیمی قدری با پالایشی‌ها تفاوت داشت و برخی از نمادهای این گروه در صدر توجهات اهالی بازار بودند. سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی با نماد «وپترو» با صف خرید مستحکمی در طول بازار مواجه بود و همچنان تقاضا برای خرید و پترو بالاست. گسترش نفت و گاز پارسیان با نماد پارسان در جریان معاملات روز گذشته با ۱۰ میلیون داد و ستد مواجه شد و با درصدهای خنثی قیمتی همراه بود. با توجه به ارسال گزارشات شش ماهه پتروشیمی زاگرس و کربن ایران با نمادهای زاگرس و کربن امیدها نسبت به افزایش روند سودآوری هر دو مجموعه و اعلام تعدیلات مثبت در گزارشات بعدی بسیار بالاست.

در گروه فلزات اساسی، فولاد کاوه جنوب کیش با نماد کاوه و آهن و فولاد ارفع با نماد ارفع مورد توجه جدی اهالی بازار قرار گرفت. فولاد کاوه جنوب کیش (کاوه) از پتانسیل بالایی برای رشد برخوردار است، روند بهره‌برداری فازهای جدید این مجموعه می‌تواند سودآوری را در سال ۹۷ تا محدوده ۵۰۰ ریال برای هر سهم افزایش دهد که با توجه به قیمت‌های کنونی نماد، ارزندگی کاوه مورد توجه است. آهن و فولاد ارفع نیز امروز همراه با شایعات برطرف شدن مشکلات وام ارزی در تعامل با بانک صنعت و معدن با صف خرید مستحکمی همراه بود.

در گروه خودرویی نیز ترس از افزایش بهای تمام شده خودرو مانع از رشد ادامه دار این گروه شده است، اما با توجه به اعمال افزایش نرخ فروش در شرکت‌های این گروه به احتمال زیاد، بحث بهای تمام شده روی روند سودآوری خودرویی‌ها تأثیر چندانی نخواهد گذاشت. سایپا و ایران خودرو دیزل با نمادهای خساپا و خاور در گروه خودرویی در درصدها مثبت معامله می‌شدند و ایران خودرو و پارس خودرو با نمادهای خودرو و خپارس در درصدهای منفی در جریان داد و ستد قرار گرفتند. در مجموع، آمار تولیدی خودرو کشور در مهر ماه نشان دهنده رشدی ۱۹ درصدی نسبت به دوره مشابه سال گذشته است. روند تولیدی گروه خودرویی در کنار انعقاد قراردادهای متعدد با شرکای خارجی امیدها نسبت به آینده این گروه در ماه‌های آینده را افزایش داده است.

حفاری شمال با نماد حفاری از گروه تجهیزاتی نیز با رسیدن خبر امضای تفاهمنامه و عقد قرار داد همکاری با شرکای فرانسوی مورد توجه اهالی بازار قرار گرفت و با صف خرید به کار خود پایان داد.

توجه اهالی بازار در جریان معاملات روز گذشته به گروه قند و شکر قابل ملاحظه بوده است و تقریبا همه ی نمادهای این گروه در درصدهای بالای قیمتی سبز پوش بودند. شاخص این گروه اکنون در محدوده مقاومتی خود قرار گرفته است و در صورت شکست مقاومت پیشرو امیدواری‌ها نسبت به افزایش تقاضا و ورود جریان نقدینگی به نمادهای گروه وجود دارد. ابطال معاملات قند ارومیه که با بازگشایی و رشد بالای هزار و سیصد درصدی همراه بود از دیگر اتفاقات مهم بازار در روز گذشته بوده است.